

وارسی امکان جایگزینی احراز عدالت شهود از طریق سامانه قضایی به جای روش های مرسوم

جواد موسی نژاد زوارم^۱

مرتضی اخترشناس^۲

بلال شاکری^۳



چکیده

یکی از ادله مهمی که در فرآیند قضایی برای اثبات و ردّ دعاوی اقامه می گردد شهادت شهود است. این دلیل از نظر فقهی، زمانی معتبر است که دارای شرط عدالت باشد و این عدالت توسط قاضی احراز شود. فقها برای احراز این شرط راه هایی از جمله علم قاضی، شیع، اختبار و حسن ظاهر را ذکر کرده اند که روش های مرسوم احراز عدالت در روند قضایی هستند. اما در زمان حاضر به علت وسعت جمعیت و عدم شناخت کافی قضات نسبت به اصحاب دعاوی و همچنین تبانی و سوء استفاده از این دلیل، احراز عدالت شهود برای قاضی با مشکل مواجه شده است.

برای حل این مشکل در پژوهش حاضر روش احراز عدالت شهود توسط سامانه قضایی مطرح شده است؛ به این صورت که آیا امکان جایگزینی روش احراز عدالت شهود توسط سامانه قضایی با روش های مرسوم احراز عدالت یعنی تحقیق و تحفّص توسط خود قاضی وجود دارد یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال با رویکرد تحلیلی-اجتهادی و با کمک از منابع کتابخانه ای حالت های مختلفی که ممکن است توسط این سامانه برای قاضی به وجود آید، مورد بررسی قرار گرفته است. اولین حالت حالتی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

javadosmazv.z@gmail.com

۱. دانش پژوه سطح ۲ و ۳ پیوسته رشته فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب مشهد (نویسنده مسئول)

morteza1401iran@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۲ و ۳ پیوسته رشته فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب مشهد

b.shakeri@iran.ir

۳. استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان

است که توسط استعلامات سامانه برای قاضی، علم به احراز یا عدم احراز حاصل شود که در این فرض با ادله‌ای مثل حجیت ذاتی علم و سیره عقلاء، حجیت و امکان جایگزینی این روش نیز ثابت شده است. حالت دوم این است که استعلامات سامانه برای قاضی ظن آور باشد. این مورد از طریق حجیت ظن خاص یا نهایتاً توسط حجیت ظن مطلق ثابت شده است که دارای اعتبار شرعی می‌باشد. اما حالت سوم که عدم حصول علم و ظن برای قاضی توسط اطلاعات حاصل از سامانه باشد، چون دلیل معتبری بر آن نمی‌توان اقامه کرد از حجیت ساقط است. سپس به بعضی از فروعات مسئله و اشکالات احتمالی پرداخته شده است.

❁ واژگان کلیدی

شهادت شهود، احراز عدالت شهود، سامانه قضایی، علم قاضی.



یکی از ادله اثبات یارده دعاوی در فرایندهای قضایی شهادت شهود است. قاضی برای اینکه مفاد شهادت را بپذیرد، باید عدالت شهود برای او ثابت و احراز شود. همان طور که در ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است:

«شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید دارای عدالت باشد».

در تبصره این قانون ذکر شده است که این شرط باید توسط قاضی احراز شود.

اندیشمندان فقیه شیعه روش دستیابی به عدالت شهود را همانند احراز سایر موضوعات از طریق علم و یقین (خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۰۸) یا شیاع موجب اطمینان (خمینی رحمته الله علیه، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۰۴) یا حسن ظاهر (تبریزی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۰) در برخورد ها و معاشرت ها که کاشف از تقوای باطنی باشد (خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۷۵) یا شهادت دو شاهد شناخته شده بر عدالت او (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۰) برای قاضی می دانند. اما سؤال اینجاست که آیا ممکن است به جای اینکه خود قاضی وظیفه تحقیق و تفحص در مورد عدالت شهود را داشته باشد (حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۶۷) این وظیفه را برعهده سامانه ای قرار دهد و از طریق منابع مختلفی مثل ثبت احوال، مخابرات عدالت شهود را احراز یا رد کند؟ به عبارتی دیگر آیا احراز عدالت و صلاحیت شهود به وسیله چنین سامانه ای می تواند جایگزین تحقیق و بررسی قاضی شود به طوری که بدون نیاز به طریق دیگری اظهار نظر سامانه برای احراز یا عدم احراز کفایت کند؟ پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه ای و روش تحلیلی امکان جایگزینی احراز عدالت شهود به وسیله سامانه ها به جای تحقیق و تفحص قاضی را بررسی می کند.

در بررسی هایی که تاکنون انجام شده است نگارندگان این مقاله، به مقاله یا پایان نامه ای در زمینه مذکور دست نیافته اند و فقط در برخی پژوهش ها به روش های مرسوم احراز عدالت شهود که مربوط به فحص و جستجو از طرف خود قاضی است، دست یافته اند. از جمله مقاله ای با موضوع «واکاوی مفهوم عدالت و استقراء راه های احراز عدالت شهود از منابع فقهی» (پیله ور، نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۷، صفحات ۳۳ تا ۳۳) و یا مقاله ای با موضوع «اعتبار سنجی احراز ظنی عدالت شهود از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی» (قلی پور خان قاهی، صالحی، جوادی، دوفصلنامه علمی فقه مقارن، شماره ۱۷، صفحات ۲۷۵ تا ۲۹۷).

اما وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های مشابه که به نوعی نوآوری پژوهش پیشرو محسوب می‌شود، این است که در جستار حاضر بناست پس از واکاوی معنی عدالت به امکان فقهی جایگزینی سامانه الکترونیکی برای دستیابی به عدالت و صلاحیت شاهدان نسبت به روش فعلی پرداخته شود.

۱. مفهوم‌شناسی عدالت

۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی

در گام نخست به بررسی مفهوم عدالت و اقوالی که نسبت به آن وجود دارد، پرداخته می‌شود زیرا اگرچه معنای عدالت، بحث مورد سوال این نوشته نمی‌باشد اما اتخاذ مبنا نسبت به آن در نتیجه پژوهش تأثیر خواهد داشت. معنا و مفهوم عدالت در دو بخش معنای لغوی و اصطلاحی بررسی خواهد شد.

بیشتر لغت‌دانان در معنای عدالت تصریح دارند که خلاف جور است و در معنای جور گفته‌اند: ترک کردن، میانه روی از مسیر و ترک میل به چپ و راست کردن (الفراهیدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۱۷).

معنای اصطلاحی عدالت معرکه آراء و اقوال فقهاء شیعه می‌باشد که اقوال مطرح شده در زمینه مذکور به طور خلاصه عبارت‌اند از اینکه:

۱. قول مشهور از زمان علامه حلی و بعد از ایشان این است که عدالت به معنای حالت نفسانی راسخی است که همراه با تقوا بوده و انسان را از ارتکاب گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می‌دارد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۸۸) البته بعضی از فقهاء قید همراه بودن مروت را نیز به این تعریف اضافه کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۴؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۸).
۲. عدالت به معنای ترک معاصی یا تنها ترک گناهان کبیره است. همان‌طور که در برخی کتب عدالت در دین به معنای اجتناب از گناهان کبیره و ترک اصرار بر گناهان صغیره است (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۰).
۳. عدالت به معنای استقامت فعلی در مسیر شرع و عدم انحراف از آن می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۹۷). همان‌طور که این معنا از ظاهر کلام فقیه دیگری نیز برداشت می‌شود (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۵).
۴. عدالت به معنای مسلمان بودن و عدم ظهور فسق است. ظاهر کلام ابن جنید اسکافی در تعریف عادل، حمل بر این معنا می‌شود (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۵).

۵. عدالت به معنای حسن ظاهر است که این معنا توسط صاحب جواهر از قول فقهای متقدم حکایت شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۲۶).

باتوجه به روایات مربوط به شرطیت عدالت برای شهود که در ادامه به بعضی از این روایات اشاره می شود و همچنین توضیح فقها، قول صحیح از میان اقوال مذکور قول اول می باشد. البته نیازی به وجود قید مروت در تعریف نیست.^۲

۱-۲. احراز عدالت

احراز در اصطلاح از همان معنای لغوی خود که به معنای علم پیدا کردن نسبت به چیزی است، گرفته شده و استعمال می شود. بنابراین باتوجه به مفهوم عدالت که توضیح داده شد مجموع احراز عدالت به معنای علم پیدا کردن نسبت به وجود حالت نفسانی ای که همراه با تقوا بوده و فرد مورد نظر را از انجام گناه کبیره و یا اصرار بر گناه صغیره باز می دارد؛ می باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۹).

۲. طرق احراز عدالت شهود

راه هایی برای احراز عدالت شهود در ادله شرعی و کلام فقهاء بیان شده است.^۳ هدف از بررسی این موارد مشخص شدن راه های مرسوم احراز عدالت شهود و سپس بررسی اینکه روش احراز عدالت شهود توسط استعلامات سامانه ای جایگزین یا ملحق به یکی از این روش ها است یا روش جدیدی برای احراز عدالت شهود؟

روش هایی که فقها برای چگونگی دستیابی به عدالت شهود بیان کردند، عبارت است از:

۱. علم قاضی زیرا علم قاضی در کشف از واقع معتبر است (قائمی نجفی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۸۸).
۲. حسن ظاهر به معنای ظهور انجام واجبات و ترک محرمات در رفتار انسان. صاحب جواهر در مورد نسبت حسن ظاهر با عدالت بیان می دارند که عدالت همان حسن ظاهری باشد بلکه حسن ظاهر کاشف از عدالت فرد است پس تعریف عدالت به حسن ظاهر تعریف شیء به کاشف از آن می باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۲۶).
۳. تزکیه شهود به این معنا که مدعی، عدالت شهود را توسط بینه همانند شهادت دو عادل ثابت کند.
۴. استفاضه یا شیاع به معنای شهرت یک فرد به عدالت که برخی از فقها از جمله محقق نراقی آن را مفید علم و بعضی از جمله امام خمینی رحمته الله علیه، آن را مفید اطمینان می دانند.

۵. معاشرت و چون اعتبار آن از حیث کاشفیت است، حتما باید مفید علم یا اطمینان باشد.
۶. اختبار و آزمایش به این صورت که عدالت یک فرد به وسیله آزمایش قرار دادن او در معاملات و گفت وگوها و رفتار با مردم مشخص شود (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۵).
۷. استصحاب به این صورت که عدالت فردی، قبل از این احراز شده باشد و سپس در عدالت او شک شود که مجرای استصحاب است.

۳. سامانه احراز عدالت شهود

در این قسمت موضوع شناسی سامانه احراز عدالت شهود مورد بررسی قرار می گیرد. پرسش محوری این است که آیا سامانه ها، دارای ماهیت حقیقی هستند یا حقوقی و چه تأثیری در احراز عدالت شهود دارند؟

سامانه ها مجموعه یا گروهی از اشیاء مرتبط یا غیر مرتبط هستند که اهداف یا هدف معینی را دنبال می کنند. یکی از این سامانه ها، سامانه احراز عدالت شهود می باشد. در مورد سامانه احراز عدالت شهود همانند سامانه های مجازی دیگر، با توجه به وجود معیار هایی همانند نیازمندی به اعتبار، تفاوت سامانه ها در حقوق و احکام و همچنین وجود مجازی آن؛ می توان نتیجه گرفت که سامانه مذکور جزء اشخاص حقوقی محسوب می شود (عباسی خراسانی، ۱۴۰۱؛ مدنی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۹۲) که از طریق استعمال نهادهای مختلف انتظامی، قضائی، امنیتی می تواند اطلاعاتی از سابقه شهود کشف کند. این اطلاعات در احراز عدالت شهود توسط قاضی تأثیر مستقیم خواهد داشت. به عنوان مثال اگر توسط استعلامات این سامانه مشخص شود که در پرونده قضائی شاهد چندین مورد سابقه سرقت وجود دارد، عدالت چنین شهادی برای قاضی محرز نخواهد شد و قاضی نمی تواند بر طبق شهادت او حکم صادر کند. و همچنین ثبت تعداد دفعات شهادت شهود در این سامانه، مانع از تبانی و سوء استفاده خواهد شد.

احراز عدالت شهود به خصوص براساس نظر مشهور از مفهوم عدالت که در بخش اول این پژوهش ذکر شد، به وسیله روش های مرسوم آن که در بخش دوم ارائه گردید در زمان حاضر با موانع زیر مواجه می باشد که کار را برای قاضی مشکل می کند:

- علم حقوق وسیله روانکاوی ذهن اشخاص برای داشتن ملکه عدالت را ندارد.
- بررسی انجام واجبات و ترک محرمات انسان ها، منجر به تجسس در زندگی شخصی آن ها می شود.

- عدم آشنائیت دادرس نسبت به اصحاب دعاوی و گاه‌ها غیربومی بودن آن‌ها.
 - کثرت پرونده‌ها، وسعت جمعیت (رئوفیان نائینی، ۱۳۹۶، ص ۱۷ تا ۲۳) و همچنین مدت محدود بررسی پرونده‌های قضائی توسط قضات.
- اما موانع و مشکلاتی که ذکر شد، در احراز عدالت شهود توسط سامانه‌ها وجود ندارد یا بسیار کمتر است.

شایان ذکر است به این دلیل که اطلاعات به دست آمده از طریق سامانه براساس گزارش حسی می باشد، نوعاً علم یا اطمینان آور بوده در نتیجه ملحق به راه احراز عدالت شهود توسط بینه می شود زیرا ملاک شهادت بینه که خبر حسی می باشد را داراست. از سویی بسیاری از فقها فرموده اند اگر خبری در هر زمینه ای دارای دو ملاک خبر حسی و علم آور باشد، حجت است. در نتیجه به نظر می رسد استعلامات سامانه ای طریق مطمئن به سوی جرح و تعدیل شهود باشد. (قائنی نجفی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

لازم به ذکر است حکم اعتبار استعلامات سامانه ای در بخش بعدی بررسی خواهد شد.

۴. بررسی اعتبار شرعی سامانه احراز عدالت شهود

بعد از مشخص شدن ماهیت سامانه احراز عدالت شهود به مسئله اصلی یعنی امکان جایگزینی سامانه‌ها برای احراز عدالت شهود با روش های مرسوم پرداخته می شود. واضح است زمانی امکان این جایگزینی وجود دارد که اعتبار شرعی سامانه ثابت شود. سامانه احراز عدالت شهود دارای حالت های مختلفی خواهد بود که لازم است اعتبار شرعی هر یک مورد بررسی قرار گیرد. این حالات عبارت اند از:

۴-۱. حالت افاده علم از طریق استعلامات سامانه ای

در صورتی که اطلاعات حاصله از سامانه موجب ایجاد علم برای قاضی نسبت به عدالت شاهد یا عدم آن شود، استعلامات سامانه دارای اعتبار شرعی و حجت می باشد. برای این اعتبار شرعی ادله ذیل را می توان اقامه کرد:

۱. استعلامات سامانه منجر به علم می شود و حجیت علم و قطع ذاتی آن است زیرا قطع عین انکشاف از واقع است (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۶).
۲. اتفاق نظر فقهای شیعه بر حجیت و صحت عمل قاضی براساس علمی که برای او حاصل

می‌شود نسبت به تمام احکام اعم از حق الله و حق الناس (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۴۲؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۱۳)

۳. روایات متعددی که بر حجیت عمل قاضی براساس علم خود و حتی وجوب چنین عملی وجود دارد.^۲
۴. قاعده لاضرر با این تقریب که اگر علم حاصل از اطلاعات سامانه دارای اعتبار شرعی نباشد بلکه حکم به جواز اکتفا به روش‌های مرسوم احراز عدالت توسط قاضی (که عموماً ظن‌آور می‌باشد) کرد و استعلامی از سامانه در فرضی که استعلام موجب علم برای قاضی می‌شود گرفته نشود؛ این حکم جواز موجب ضرر برای مردم است. مخصوصاً در زمانی که شهادت مربوط به اموال با ارزش یا جان و آبروی مکلفین باشد. هر حکمی که موجب ایجاد ضرر برای مکلفین شود از نظر شرع معتبر نیست. بنابراین اکتفا به روش‌های مرسوم احراز عدالت توسط قاضی در فرضی که استعلام افاده علم کند جایز نیست و لازم است از سامانه استعلام گرفته شود فلذا استعلام سامانه‌ای در این فرض دارای اعتبار شرعی و حجت می‌باشد. توجه به این نکته لازم است که این مطلب بنا بر مبنایی است که ادله نفی ضرر علاوه بر اینکه نافی حکم موجب ضرر می‌باشد، مثبت حکم غیر ضرری نیز باشد. با این بیان که اگر در جایی فقدان حکم مستلزم ضرر باشد و این ضرر از ناحیه‌ی دیگر توسط شارع منسّد نشده باشد، ملتزم می‌شویم که لا ضرر بالملازمه می‌تواند مثبت حکم هم باشد (مدرسی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۱۳).

۵. سیره عقلا: عقلاً زمانی که راه علم‌آوری برای کشف واقع باشد به آن اخذ می‌کنند. همچنین کسی را که با وجود چنین راهی به راه‌های ظن‌آور تمسک کند، ملامت و سرزنش می‌کنند. مثلاً اگر شخصی مالی را در اختیار فرد دیگری قرار دهد تا برای او نگهداری کند و تنها به ظاهر خوب او اعتماد کند و مال فرد توسط امانت‌گیرنده سرقت شود، درحالی‌که امانت دهنده می‌توانسته به وسیله یک تحقیق و تفحص ساده یقین به فسق او پیدا کند، مورد ملامت خواهد بود. این سیره مستمره عقلاست و تقریر معصوم علیه السلام کاشف از حجیت آن است.

۲-۴. حالت افاده اطمینان از طریق استعلامات سامانه‌ای

اگر استعلامات سامانه موجب اطمینان برای قاضی شود یعنی احتمال عادل بودن شاهد براساس استعلامات به حدی قوی باشد که احتمال عادل نبودن او بسیار ضعیف باشد، در این صورت هم این استعلامات حجت خواهد بود و اعتبار آن به دو نحو قابل اثبات است:

۱. قائل به این شویم که حجیت اطمینان هم همانند قطع ذاتی بوده فلذا از نظر حکم همانند قطع خواهد بود (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۰).

۲. سیره پیوسته عقلا عمل براساس اطمینان است و سکوت معصوم دلالت بر امضا و حجیت آن اطمینان می باشد (همان).

۳-۴. استعلامات سامانه، ظن آور باشد

اگر اطلاعات حاصل از سامانه برای قاضی ایجاد علم نکند و تنها موجب ایجاد ظن به عدالت و یا عادل نبودن شاهد شود (یعنی عدالت شاهد یا عدم آن راجح باشد)، اعتبار آن از دو طریق قابل بررسی است:

۱-۳-۴. اعتبار از باب ظن خاص

روایات خاصه ای که نحوه احراز عدالت شهود را مشخص می کند دلالت بر اعتبار چنین استعلاماتی دارد که در ادامه به بعضی از این روایات اشاره خواهد شد.

۱. روایت صحیح ابن ابی یعفور:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَعْرِفُ عَدَالَتهُ الرَّجُلِ يَتَنَزَّلُ فِيهِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تُقْبَلَ شَهَادَتُهُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ فَقَالَ أَنْ تَعْرِفُوهُ بِالسِّرِّ وَالْعَفَافِ (وَكَفِّ الْبُطْنِ) وَالْفَرْجِ وَالْيَدِ وَاللِّسَانِ وَ يُعْرِفُ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۹۱)

عبدالله بن ابی یعفور گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم عدالت شخص میان مسلمانان با چه میزان شناخته می شود تا قبول شهادتش بر له و یا علیه آن ها جایز باشد؟ فرمود: ظاهر نبودن عیبی که منافی عدالت باشد و پاکدامنی و خودداری در مقام خوردن و شهوت و دست نیازیدن به مال غیر و نگهداری زبان از ناشایست و نابایست.

براساس روایت مذکور اگر عیوبی که منافات با عدالت دارد، ظاهر نباشد (با توجه به عبارت ستر و عفاف و کف البطن)، عدالت شاهد احراز می شود و در نتیجه اگر استعلامات سامانه ای ظن به تعدیل شاهد ایجاد کند، یعنی این عیوب ظاهر نیست بنابراین عدالت شاهد برای قاضی احراز می گردد و اگر هم منجر به ظن جرح شاهد شود یعنی احتمال ظاهر بودن این عیوب وجود دارد فلذا احراز عدالت محقق نخواهد شد.

۲. روایت مرسله یونس بن عبدالرحمن از امام صادق علیه السلام:

«بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَيْتَةِ إِذَا أُقِيمَتْ عَلَى الْحَقِّ أَيْحُلُ لِلْقَاضِي أَنْ يَقْضِيَ بِقَوْلِ الْبَيْتَةِ فَقَالَ خَمْسَةُ أَشْيَاءَ يَحِبُّ عَلَى النَّاسِ الْأَخْذُ فِيهَا بِظَاهِرِ الْحُكْمِ الْوَلَايَاتِ وَالْمَنَاسِكِ وَالذَّبَائِحِ وَالشَّهَادَاتِ وَالْأَنْسَابِ فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُ الرَّجُلِ ظَاهِرًا مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ وَلَا يُنْسَأَلُ عَنْ بَاطِنِهِ.» (شيخ حر عاملي، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۹۳)

راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم آن گاه که بر امر حق دلیل و شاهد اقامه شود، آیا قاضی می تواند در صورت عدم شناخت از شاهدان، بدون تحقیق، طبق سخن آن ها حکم کند؟ فرمود: در پنج مورد مردم باید حکم ظاهر را بپذیرند: انواع سرپرستی، ازدواج، میراث ها، حیوانات ذبح شده و شهادت ها. پس هرگاه شاهد در ظاهر مورد اعتماد باشد، گواهی او جایز است و از باطن او تحقیق نمی کنند. این روایت ظهور در جواز پذیرش شهادت شاهد در صورت ظن به عدالت او دارد زیرا در این روایت ملاک اعتبار عدالت شاهد را مورد اعتماد بودن در ظاهر بیان می دارد (باتوجه در عبارت فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُ الرَّجُلِ ظَاهِرًا مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ) که این اعتماد در ظاهر هم در جایی که قاضی علم دارد ثابت است و همچنین در جایی که ظن برای قاضی ایجاد می شود (مثل محل بحث) نیز وجود دارد. از طرفی اگر توسط استعلامات سامانه ظن به عدم عدالت شاهد یا ظن به جرح شاهد برای قاضی ایجاد شود به این معناست که ظاهر حال آن شاهد اعتماد آور نیست فلذا عدالت آن شاهد احراز نمی شود.

البته اگرچه روایت مرسل بیان شده است اما به دو دلیل ارسال روایت هیچ مشکلی در تمسک به روایت ایجاد نمی کند. اولاً یونس بن عبد الرحمن جزو اصحاب اجماع است. دوماً مشایخ ثلاث در کتب خود به سندهای مختلف از یونس بن عبد الرحمن نقل حدیث کرده اند (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۵).

همچنین از روایات فراوانی برداشت می شود که تفحص از عدالت شهود واجب نیست و اصل بر عدالت

آن‌هاست. البته بعد از اینکه مشخص شود رفتار او ظهور در مراقبتش نسبت به نمازهای واجب و عدم ظهور در فسق او دارد (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۹۳) که همین مقدار از ظهور برای احراز عدالت شهود کافی است. بنابراین اگر توسط اطلاعاتی که از سامانه به دست می‌آید برای قاضی ظن به عدالت شاهد حاصل شود یعنی ظهور رفتار او نسبت به مراقبت در نماز و عدم ظهور فسق برای قاضی مشخص شود، برای احراز عدالت او کافی خواهد بود.

۴-۳-۲. اعتبار از باب ظن مطلق

در صورتی که نسبت به اعتبار اطلاعات حاصل از سامانه از باب ظن خاص (چه موضوعی و چه حکمی) خدشه وارد نشود نوبت به بررسی اعتبار آن از طریق ظن مطلق می‌رسد. برای حجیت ظن مطلق، حسب معمول دو دلیل آورده می‌شود. دلیل اول را می‌توان به صورت استدلال زیر مطرح نمود: صغری: ظن به حکم ملازم با ظن به ضرر است یعنی اگر ظن پیدا کردیم چیزی واجب است، ترکش ضرر دارد. همچنین اگر ظن پیدا کردیم چیزی حرام است فعلش ضرر دارد.

کبری: دفع ضرر محتمل یا مظنون، عقلاً واجب است.

نتیجه: باید به آن ظن، عمل کرد (سبحانی، ۱۳۹۶/۱۰/۳۰).

البته در صغری و کبری این دلیل خدشه شده است؛ اما این خدشه‌ها وارد نیست. (همان) که به دلیل طولانی شدن مطلب از بیان ایرادات و جواب به آن‌ها خودداری می‌شود.

دلیل دوم انسداد باب علم و علمی است که دارای پنج مقدمه است:

۱. علم اجمالی به ثبوت احکام واقعی در شرع.
۲. انسداد راه علم و علمی به احکام واقعی.
۳. عدم جواز اهمال تکالیف و اعراض از آن.
۴. عدم وجوب احتیاط در همه احکام به دلیل لزوم عسر و حرج و یا عدم جواز آن به دلیل مختل شدن نظام زندگی اجتماعی.
۵. قُبْح ترجیح مرجوح (وَهْم) بر راجح (ظَن).
۶. نتیجه دلیل انسداد وجوب عمل به هر ظنی است مگر ظنی که دلیل قطعی بر عدم جواز عمل به آن وجود داشته باشد مانند قیاس (انصاری، ج ۱، ۱۴۲۸ق، ص ۳۸۴ تا ۳۸۵). این انسداد به نحو حقیق، در بعضی از ابواب فقهی از جمله احراز عدالت شهود موجود است (انسداد صغیر).

بنابراین ظن حاصل از استعلامات سامانه برای قاضی در فرض عدم ایجاد علم برای قاضی وردّ ادله ظن خاص نسبت به مسئله مذکور از باب حجیت مطلق ظن دارای اعتبار است.

ممکن است کسی اشکال کند که چرا باید چنین ظنی از باب ظن مطلق ثابت باشد، مگر انسداد باب علم و علمی است؟ پس راه های مرسوم چه می شود؟ وقتی قاضی راه های مختلفی برای بررسی شهادت شهود دارد چه نیازی به ظن مطلق است؟ در پاسخ می توان گفت که فرض بررسی ظن مطلق درباره این بود که نه حصول علم برای قاضی از راه های مختلف وجود دارد و نه دلیل ظنی معتبری نسبت به مسئله وجود دارد و این یعنی انسداد باب علم و علمی که در این حالت نوبت به حجیت ظن مطلق می رسد.

۴-۳-۳. استعلامات سامانه، نه علم آور باشد و نه ظن آور

در صورتی که داده های حاصل از سامانه برای قاضی ایجاد علم و ظن راجح نکند، در این صورت فاقد اعتبار خواهد بود و صرف استعلام از سامانه جواز ترتیب اثر به شهادت شهود توسط قاضی داده نخواهد شد. نهایتاً حکم یک قرینه را خواهد داشت زیرا دلیلی از نقل و عقل برای آن وجود ندارد. مگر اینکه در مفهوم عدالت قائل به حسن ظاهر و اصل مسلمان بودن شویم چون براساس این مبنا اصل بر عدالت مکلفین است. همین که از طریق استعلامات سامانه فسق شاهد محرز نشود برای اثبات عدالت او کافی است و می توان براساس اطلاعات حاصل از سامانه عمل کرد.

۵. فروعات و مسائل مرتبط

در صورت اعتبار و جواز جایگزینی استعلامات سامانه ای به جای فحص و جستجوی خود قاضی برای احراز عدالت شهود سؤالات و اشکالاتی ممکن است مطرح شود که در ادامه بررسی خواهد شد.

۱. زمانی که امکان استعلام از سامانه فراهم باشد در صورتی که قاضی تنها به روش های مرسوم احراز عدالت از جمله اعتماد بر حسن ظاهر اکتفا کند، آیا چنین احرازی جایز و نافذ خواهد بود؟ (مخصوصاً زمانی که کشف خلاف شود و معلوم شود که قاضی اشتباه کرده و خسارت ناجقی وارد شده است درحالی که با استعلام این اشتباه مشخص می شده است.)

پاسخ: احراز عدالت شهود توسط قاضی در فرض مذکور از جهت حکم تکلیفی عدم جواز است چون براساس قاعده اشتغال که توضیح داده شد بر قاضی واجب بوده که از سامانه استعلام بگیرد. نسبت

به حکم وضعی ترتیب اثر بر چنین احرازی نافذ نخواهد بود زیرا اولاً عمل قاضی براساس ظن در جایی که امکان دسترسی به راه مطمئن تر وجود دارد موجب اختلال در نظام معیشتی مردم می شود و اختلال نظام هم حرام است. ثانیاً ترتیب اثر براساس ظن با توجه به احتمال خطای آن در جایی که امکان استفاده از راه یقین آور ممکن است، موجب عسر و حرج مردم می شود. مخصوصاً در زمانی که حکم مربوط به مال و جان و عرض مؤمن است (زیرا حکمی است که منجر به حرج باشد نافذ نیست). همچنین زمانی که مشخص شود قاضی اشتباه کرده و احراز عدالتی که انجام داده در فرض مذکور صحیح نبوده است، در این صورت قاضی ضامن است و باید خسارتی که به اشتباه بر دیگران وارد کرده را جبران نماید. همان طور که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این مطلب اشاره شده است که هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

۲. آنچه که باید توسط قاضی برای ترتیب اثر دادن به شهادت شهود احراز شود، عدالت فعلی شهود است. درحالی که اطلاعات سامانه ای تنها حالت گذشته افراد را تعیین می کند. به عنوان مثال ممکن است براساس اطلاعات حاصل از سامانه در ظاهر ظن به فاسق بودن شاهد ایجاد شود اما در واقع شاهد توبه کرده باشد.

پاسخ: اگر زمان استنادات سامانه به مقداری نباشد که امکان تغییر ملکه نفسانی ممکن باشد، در این صورت به احتمال تغییر به خاطر توبه و امثالهم توجهی نخواهد شد چون مقتضی و مناسبات تغییر موجود نیست. اما اگر امکان تغییر وجود داشت باز هم به چنین احتمالاتی ترتیب اثر داده نمی شود زیرا احراز یا عدم احراز عدالت در زمان ثبت استنادات محقق است و به وسیله استصحاب این احراز یا عدم احراز به زمان حکم امتداد پیدا کرده و منجر به اثبات عدالت فعلی یا عدم آن در زمان صدور حکم توسط قاضی خواهد شد. همچنین سیره مستمره عقلا بر کنار گذاشتن چنین احتمالاتی است مگر اینکه توبه فرد احراز شود.

۳. اشکال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که براساس ادله و وجوب احراز عدالت شهود این وظیفه برعهده خود قاضی است پس اینکه شخص دیگری یا مثلاً سامانه ای نخواهد این وظیفه را انجام دهد کفایت نمی کند.

پاسخ: گرچه وظیفه احراز عدالت شهود بر عهده قاضی است اما قاضی می تواند برای امتثال این وظیفه نائب بگیرد. همان طور که از سیره حضرت رسول ﷺ نقل شده است که ایشان در مواردی

برای آگاهی از حال شهود افراد مطمئنی را می‌فرستادند تا عدالت شهود را بررسی کنند. (مامقانی، ص ۲۸۴) در واقع در چنین حالتی نیز همچنان وظیفه احراز عدالت برعهده خود قاضی است و خود اوست که این وظیفه را انجام می‌دهد. بنابراین مشکلی در انجام این وظیفه توسط نائب وجود ندارد اما تمام مطلب این است که آیا سامانه می‌تواند حکم نائب را داشته باشد یا خیر که توسط مطالبی که در بخش قبلی ثابت شد؛ اگر سامانه منجر به علم یا نهایتاً ظن برای قاضی شود، قابلیت نائب بودن برای قاضی را دارد.

۴. اگر استعمال حاصل از سامانه، معارض با علم قاضی بود، در این صورت تکلیف چیست؟ مثلاً قاضی شناخت کافی نسبت به شهود دارد و عدالت آن‌ها برای قاضی محرز است اما از آن طرف هم نتیجه استعمال سامانه، فاسق بودن آن شهود باشد.

پاسخ: اگر اطلاعات حاصل از سامانه برای قاضی علم و قطع ایجاد نکند و به عبارتی مفید ظن باشد، در این صورت علم قاضی مقدم است و اصلاً تعارضی میان علم قاضی و استعمال حاصل از سامانه وجود ندارد. اما اگر استعمال حاصل از سامانه برای قاضی ایجاد علم کند، در این صورت اگر زمان حصول علم از طرف قاضی و سامانه متفاوت باشد، آنکه متاخر است مقدم می‌شود چون ملاک عدالت فعلی شهود است و آن علمی که متاخر است رجحان بر دیگری دارد. اما اگر زمان حصول هر دو قطع همزمان باشد، با توجه به حجیت ذاتی قطع و این فرض که هیچکدام از این دو قطع برتری و رجحانی بر دیگری ندارد، هر دو علم ساقط می‌شود و قاضی باید توقف کند و به شهادت آن شاهد ترتیب اثری ندهد.

❁ نتیجه‌گیری

براساس مطالب پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت که استعلامات سامانه‌ای در صورتی که مفید علم یا ظن برای قاضی باشد، دارای اعتبار شرعی است. از طرفی چون احتمال حصول علم یا اطمینان از طریق استعلام از سامانه وجود دارد، بر قاضی واجب است براساس قاعده اشتغال برای احراز عدالت شهود از این سامانه استعلام بگیرد تا مطمئن شود وظیفه خود را نسبت به تشخیص عدالت شهود انجام داده است. به خصوص براساس مبنای مشهور از مفهوم عدالت زیرا براساس این مبنا باید ملکه نفسانی ملازم با تقوا که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر صغیره باز می‌دارد احراز شود و نمی‌توان اصل را بر عدالت افراد گذاشت. اما در هر صورت از نظر شرعی امکان جایگزینی استعلامات سامانه‌ای نسبت به احراز عدالت شهود به جای روش‌های مرسوم آن وجود دارد بنابراین در صورت ایجاد علم یا اطمینان یا ظن برای قاضی نیاز به فحص و جستجوی خود قاضی برای احراز عدالت شهود لازم نخواهد بود.



❁ پی‌نوشت

۱. قال ابن الجنید: فاذا كان الشاهد حزاً بالغاً عاقلاً مؤمناً بصيراً معروفاً بالنسب مرضياً غير مشهور بكذب في شهادة ولا بارتکاب كبيرة، ولا مقام على صغيرة، حسن التيقظ عالماً بمعاني الأقوال، عارفاً بأحكام الشهادة غير معروف بحيف على معامل ولا متهاون بواجب من علم أو عمل، ولا معروف بمعاشره أهل الباطل ولا الدخول في جملتهم ولا بالحرص (بالخوض، خ ل) على الدنيا ولا بساقط المروة برياء من أهواء أهل البدع التي توجب على المؤمنين البراءة من أهلها فهو من أهل العدالة المقبول شهادتهم.
۲. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله «أعمال منافی مروّت و جایگاه آن در تحقق عدالت»، علی‌شاهی قلعه جوقی، غفاری زاده، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹ صفحات ۲۷ تا ۵۲.
۳. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله «واکاوی مفهوم عدالت و استقراء راه‌های احراز عدالت شهود از منابع فقهی»، پيله‌ور، مرضیه، نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره بیست و هفت، صفحات ۱ تا ۳۳.
۴. شیخ حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، ص ۲۷۶. به عنوان مثال، در اولین حدیث از باب «أَنَّ لِلْقَاضِي أَنْ يَحْكُمَ بِعِلْمِهِ مِنْ غَيْرِ بَيِّنَةٍ» که حدیث صحیح‌ه‌ای می‌باشد، در قسمتی از این حدیث مفصل، آمده است که: «... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَ فَعَلْتَ يَا عَلِيُّ ذَلِكَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَحْنُ نُصَدِّقُكَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعَلَى أَمْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَوَحْيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا نُصَدِّقُكَ عَلَى ثَمَنِ نَاقَةِ الْأَعْرَابِيِّ وَإِنِّي قَتَلْتُهُ لِأَنَّهُ كَذَبَكَ لَمَّا قُلْتُ لَهُ أَصَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَا مَا أَوْفَانِي...» که وقتی حضرت رسول ﷺ از امام علی علیه السلام در مورد علت قضاوتی که میان پیامبر ﷺ و شخص اعرابی داشته‌اند سؤال می‌کنند، امیرالمؤمنین علیه السلام علت قضاوت را علم خود به صداقت پیامبر ﷺ مطرح می‌فرماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، *مجموعه فتاوی ابن الجنید*، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، *الوسيلة الى نيل الفضيلة*، ج ۱، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ج ۵، بیروت: دار صادر.
۴. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱ق)، *المکاسب*، ج ۳، قم: دار الذخائر.
۵. _____، (۱۴۲۸ق)، *فرائد الاصول*، ج ۱، چاپ نهم، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۶. بحرانی، یوسف، (۱۴۲۳ق)، *الدرر النجفية من الملتقطات اليوسفية*، ج ۴، بیروت: دارالمصطفى ﷺ لاحیاء التراث.
۷. پيله‌ور، مرضیه، (۱۴۰۰)، «واکاوی مفهوم عدالت و استقراء راه‌های احراز عدالت شهود از منابع فقهی»، نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره بیست و هفت، صص ۱ تا ۳۳.
۸. جعفر بن حسن، حلی محقق، (۱۴۰۹ق)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۴، بیروت: نشر دار الزهراء.
۹. حکیم، محسن، (۱۳۷۴)، *مستمسک عروة الوثقی*، ج ۱، قم: دار التفسیر.
۱۰. حلی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق)، *السرائر*، ج ۲، چاپ دوم، قم: موسسه نشر اسلامي.
۱۱. خلیل بن احمد، الفراهیدی، (۱۳۸۷)، *العين*، ج ۲، چاپ سوم، قم: انتشارات اسوه.
۱۲. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۶)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، چاپ ششم، قم: انتشارات اسلامي.
۱۳. رئوفیان نائینی، حمید، (۱۳۹۶)، «چگونگی احراز عدالت شهود در محاکم»، مجله آراء، شماره ۴، صص ۱۷ تا ۲۳.
۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۶)، *تقریرات درس خارج اصول*، <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool>
۱۵. عاملی، زین الدین بن علی، (بی تا)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، ج ۳، بی جا، بی نا.
۱۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، *تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۲۷، قم: موسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث.
۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *المقنعه*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۸. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۸ق)، *دروس فی علم الاصول*، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، ج ۶، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، *قواعد الأحکام*، ج ۳، قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.

۲۱. علی، غروی تبریزی، (۱۴۰۷ق)، **التنقیح**، ج ۱، چاپ دوم، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
۲۲. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ غفاری زاده، محمد، (۱۳۹۹)، «**اعمال منافی مروت و جایگاه آن در تحقق عدالت**»، پژوهش های فقهی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۲۷ تا ۵۲.
۲۳. فخرالمحققین، محمدبن حسن، (۱۳۸۷)، **ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد**، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. قائنی نجفی، محمد، (۱۳۹۹)، **تقریرات درس خارج فقه**، <https://www.qaeninajafi.ir/feqh/feqh>.
۲۶. مامقانی، عبدالله، (بی تا)، **نهایه المقال فی تکملة غایه الآمال**، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۲۷. مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۳)، **البيع (مدرسی)**، ج ۲، قم: دارالتفسیر.
۲۸. مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، **حقوق مدنی**، ج ۷، تهران: انتشارات پایدار.
۲۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۴۰، چاپ هفتم، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۳۰. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۲)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، ج ۵، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

library resources to examine various scenarios that may arise within such a system. The first scenario involves the system providing the judge with definitive knowledge regarding the witness's justice. In this case, the validity and feasibility of replacing the traditional method can be substantiated by principles such as the inherent authority of knowledge and the practices of rational individuals. The second scenario concerns situations where the system's findings provide the judge with a guess of the witness's justice. This can be justified by the concept of specific or general guess, both of which hold legal validity. However, in the third scenario, where the system's information does not provide sufficient evidence for the judge to form a judgment, the proposed method lacks validity.

Finally, the research delves into various sub-issues and potential objections related to this proposed approach

Keywords: Witness testimony, Determining witness credibility, Judicial system, Knowledge of the Judge.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Journal of On The Path of Ijtihad
Vol.1, No.1, Autumn and Winter 2024

Promotional Article

Assessing the feasibility of replacing traditional methods with a judicial system in verifying witness justice

Javad Musanejad Zovarom¹

Mortaza Akhtarshenas²

Balal Shakeri³

Abstract

Witness testimony is a crucial piece of evidence in judicial proceedings used to substantiate or refute claims. From an Islamic legal perspective, such testimony is considered valid only if the witness is deemed just (adl), a condition that must be verified by the judge. To establish this condition, Islamic jurists have outlined various methods, including the judge's knowledge, the witness's reputation, examination, and general demeanor. These methods are traditionally employed to assess witness credibility in judicial proceedings. However, in contemporary times, due to factors such as population growth, the judge's limited familiarity with the litigants, and the potential for collusion and abuse, verifying witness justice has become increasingly challenging for judges.

This research proposes a novel approach to verify witness justice by leveraging the judicial system itself. The central question is whether the traditional methods of establishing witness justice, namely the judge's personal investigation, can be replaced by a system-based approach.

To answer this question, an analytical-ijtihadi approach has been employed, utilizing

* Date received: 2023/8/15 Date of admission: 2024/2/14

1. 2nd level student of jurisprudence and principles at the Nawab School of Mashhad (responsible author)

(javadmosazxv.z@gmail.com)

2. 2nd level student of jurisprudence and principles at the Nawab School of Mashhad

(morteza1401iran@gmail.com)

3. Professor of higher levels of Khorasan Seminary

(b.shakeri@iran.ir)